

رصد

بررسی تحركات غرب در حوزه مهدویت و آخرالزمان گرایی
شماره بیست و یکم | بهار ۱۴۰۵





سخن سردبیر

نصرت الهی

به واسطه حجت خداوند!

بسم الله الرحمن الرحيم

در زمان نگارش و انتشار این شماره از مجله رصد، سه ماه از شهادت سوزناک امام شهیدمان حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (رحمة الله علیه) گذشته و داغ ایشان و دیگر شهدای جنگ رمضان بر دل‌هایمان سنگینی می‌کند. مناسب دانستم در این نوشتار کوتاه، اشاره‌ای به بخشی از دعای افتتاح داشته باشم تا با یاری و عنایت حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الیک دل‌هایمان تسلی و تسکین یابد.

در بخش‌های انتهایی این دعای شریف از خداوند درخواست می‌کنیم که برخی مشکلات و کمبودهای فردی و اجتماعی ما را به مدد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک برطرف سازد. (اللَّهُمَّ اَلْمُمْ بِهْ شَعْنَنَا، وَاشْعَبْ بِهْ صَدْعَنَا...) در انتهای این درخواست‌ها در عبارتی قابل تأمل ما از خدا طلب می‌کنیم به واسطه حجت خود، امام عصر ارواحنا له الفداء، ما را بر دشمنان دین و مسلمانان نصرت و یاری بخشد: «وَ اَنْصُرْنَا بِهْ عَلٰی عَدُوْكَ وَ عَدُوْنَا اِلٰهَ الْحَقِّ اَمِيْنَ» تأملی مختصر در این فقره دعا، نکاتی را به ما نشان می‌دهد و رهنمون می‌سازد.

نصرتی که به واسطه وجود و حضور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الیک به ما می‌رسد به گونه‌های مختلف قابل تصور است:

۱. نصرت مقامی: منظور ما از نصرت مقامی آن است که از خداوند می‌خواهیم به دلیل جایگاه یگانه و بسیار والای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک در عالم هستی و نزد خدا، بر جبهه حق منت گذاشته و پیروزی را به مؤمنان و مجاهدان ارزانی بدارد و ایشان را در مسیر مجاهده یاری کند. (توجه به حدیث نبوی: «اَلتَّجْوُمُ اَمَانٌ لِاَهْلِ السَّمَاءِ... وَ اَهْلُ بَيْتِي اَمَانٌ لِاَهْلِ الْاَرْضِ...»)
۲. نصرت دعایی: منظور آن است که دعای حضرت که قطعاً مستجاب است، در مسیر جهاد با دشمن شامل حال ما بشود. این مورد در عبارات برخی ادعیه دیگر هم آمده است؛ (توجه به عبارت دعای ندبه: «وَ هَبْ لَنَا رَافِقَةً وَ رَحْمَةً وَ دُعَاءَهُ وَ خَيْرَهُ»)
۳. نصرت روانی: منظور آن است که با عنایت آن امام فرزانه، دل‌های مؤمنان و مجاهدان قوت و آرامش پیدا کند و از تلاطمات روانی که امری عادی در

جنگ‌های سخت و دشوار است، دور گردد. (توجه به آیه ۴ سوره فتح: «هُوَ الَّذِي اَنْزَلَ السَّكِيْنَةَ فِيْ قُلُوْبِ الْمُؤْمِنِيْنَ لِيُذَاوُوا اِيْمَانًا مَّخِ اِيْمَانِهِمْ») ۴. نصرت راهبری: شیعه‌ای که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک را حجت و نماینده حقیقی خداوند در روز زمین می‌داند و به حضور و علم و احاطه او بر احوال عالم یقین دارد، می‌داند که آن امام مهربان می‌تواند به اذن الهی راه پیروزی را در ذهن فرماندهان میدان نبرد بیندازد و آنها را در تصمیمات مهم و راهبردی جنگ هدایت کند.

تذکر دو نکته تکمیلی در این میان مفید به نظر می‌رسد:

۱. شمول نصرت الهی بر مؤمنان از سنت‌های قطعی خداوند است و بارها به گونه‌های مختلف در قرآن بدان اشاره شده است. (مثلاً آیه ۷ سوره محمد: يَا أَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِنَّ تَنْصُرُوْا اللّٰهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِيْتْ اَقْدَامَكُمْ)
۲. نکته بالا در مورد نصرت امام در مورد جامعه ایمانی نیز صادق است؛ یعنی هرچه مؤمنان و منتظران در امر نصرت و یاری امام که خواست همیشگی اولیای دین از پیروانشان بوده، جدی و فعال باشند، لطف، دعا و نصرت امام نیز بیشتر شامل حالشان می‌شود.
- در پایان حواسمان باشد مطابق عبارتی که از خود آن امام یگانه و حجت خداوند نقل شده است، حضرت عجل الله تعالی فرجه الیک از حال همه شیعیان و دوست‌داران خویش باخبر هستند و به اصطلاح هوایشان را دارند. «اِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِيْنَ لِمُرَاعَاتِكُمْ، وَ لَانَسِيْنَ لِيَذْكُرِكُمْ» مهم آن است که ما به آن دریای لطف و کرم وصل شویم!

شناسنامه

سردبیر و ناظر محتوایی: حجت الاسلام و المسلمین زهیر دهقانی آرانی
هیئت تحریریه: سید علی نقی زیدی، مسعود زائری، سرکار خانم محمدی، سرکار خانم اسلامی، زهیر دهقانی آرانی
صفحه آرایی: حامد خاکپور

تهیه شده در: گروه غرب و مهدویت مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم با همکاری مؤسسه عصر موعود به سفارش معاونت فرهنگ، آموزش و پژوهش



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الیک
ایتا: <https://eitaa.com/westandmahdism2>
ایمیل: westandmahdism@chmail.ir

اصد

فهرست مطالب
شماره بیست و یکم

- سخن سردبیر
- پارادایم کربلا: کلیدواژه پژوهش‌های غربی در مورد کربلا و عاشورا
- وقتی نسل جدید مسیحیان آمریکا از اسرائیل فاصله می‌گیرد
- اشک‌های گزینشی: اوآنجلیسیم، صهیونیسم و ارزش‌گذاری متناقض بر جان انسان‌ها
- کتاب «مسیحیت و قرآن: طلوع اسلام در عربستان مسیحی»؛ نگاهی جدید به خاستگاه شکل‌گیری اسلام
- مغیر لیتواک، ایران‌شناس اسرائیلی در خدمت سیاست‌های استراتژیک غرب
- «توجه اندازه کافی مسیحی نیستی!»؛ روایت عجیب فرماندهان جنگ علیه ایران



پارادایم کربلا: کلیدواژه پژوهش‌های غربی در مورد کربلا و عاشورا

سید علی نقی زیدی^{۱*}

تفسیر وضعیت‌های جدید، و شکل دادن به کنش اجتماعی و دینی فراهم می‌کند.

پس از فیشر، پژوهشگران متعددی، به‌ویژه در حوزه انسان‌شناسی فرهنگی و مطالعات آیینی، از این اصطلاح یا از چارچوبی نزدیک به آن استفاده کرده‌اند. مناسب است به تعدادی از این موارد اشاره کنیم.

۱. مری الین هگلند در مقاله‌ای^۲ که در توصیف مراسم و نگاه سنتی مردم یک روستا در ایران در ایام محرم نگاهشته است، دو تصویر متفاوت از امام حسین (ع) را بررسی می‌کند: تصویری که می‌تواند با وضع موجود سازگار باشد، و تصویری که می‌تواند الهام‌بخش انقلاب و مقاومت گردد.

۲. کامران اسکات آقایی در کتاب «شهدای کربلا: نمادها و آیین‌های

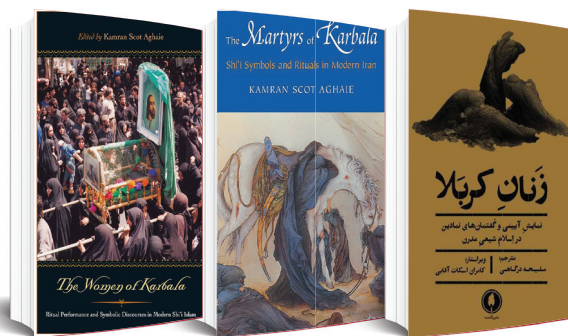
در سال‌های اخیر، پژوهش‌های فراوانی درباره تشیع، به‌ویژه درباره آیین‌های محرم و عاشورا، انجام شده است. بخش مهمی از این پژوهش‌ها، مخصوصاً در زبان‌های اروپایی، با رویکرد انسان‌شناسی فرهنگی، جامعه‌شناسی دین و مطالعات آیینی نوشته شده‌اند. برای فهم دقیق این مطالعات، آشنایی با چند اصطلاح کلیدی ضروری است. یکی از پرکاربردترین این اصطلاحات «پارادایم کربلا» است؛ اصطلاحی که معمولاً صورت‌بندی اولیه آن را به مایکل م. ج. فیشر در کتاب «ایران، از اختلاف مذهبی تا انقلاب»^۳ نسبت می‌دهند. فیشر در این کتاب نشان می‌دهد که روایت کربلا برای شیعیان صرفاً یادآوری یک حادثه تاریخی نیست، بلکه الگویی برای فهم زندگی، داوری اخلاقی،

۱. دانشجوی دکتری کلام اسلامی، مجتمع امام خمینی^(ع)، جامعة المصطفی العالمیة. anzaidi@gmail.com

2. Fischer, Michael M. J. Iran : From Religious Dispute to Revolution. University of Wisconsin Press, 1980.

3. Hegland, Mary Elaine. "Two Images of Husain: Accommodation and Revolution in an Iranian Village." In Religion and Politics in Iran: Shi'ism from Quietism to Revolution, edited by Nikki R. Keddie, 218–236. New Haven: Yale University Press, 1983..

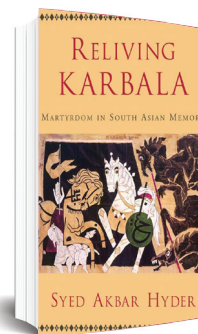
شیعی در ایران مدرن»^۴ تحول نمادها و آیین‌های عاشورایی را در ایران جدید بررسی می‌کند. او همچنین در مجموعه «زنان کربلا»^۵ نقش زنان، به‌ویژه حضرت زینب (س)، را در گفتمان‌ها و آیین‌های عاشورایی در مناطق مختلف شیعی تحلیل می‌کند.



۳. لارا دیب در مقاله «زندگی عاشورایی در لبنان: تبدیل عزاداری به ایثار»^۶ نشان می‌دهد که چگونه در لبنان معاصر، عزاداری عاشورا از صرف سوگواری به نوعی زندگی کردن با پیام عاشورا و آمادگی برای ایثار و مقاومت تبدیل می‌شود.

۴. سید اکبر حیدر نیز در کتاب «زنده کردن دوباره شهادت کربلا در خاطره آسیای جنوبی»^۷ بازآفرینی حافظه کربلا را در جهان جنوب آسیا بررسی می‌کند.

۵. ادیث زانتو در مقاله «فرا تر از الگوی کربلا: بازاندیشی انقلاب و رستگاری در آیین‌های عزاداری شیعه دوازده‌امامی»^۸ تلاش می‌کند نشان دهد که نباید پارادایم کربلا را فقط با دوگانه‌هایی مانند «انقلاب/رستگاری» یا «فعال/منفعل» فهمید، بلکه باید به عواطف، عناصر مادی، آیین، جنسیت و شرایط محلی نیز



توجه کرد.

در پژوهش‌های جدیدتر نیز آثاری مانند مقاله اولمو گولتس درباره شهادت و مردانگی در جنگ ایران و عراق^۹ و مقاله آیدن پارکس درباره بافت شهری و آیینی کربلا^{۱۰}، از این چارچوب یا از صورت‌های توسعه‌یافته آن بهره برده‌اند.

واژه «پارادایم» در اصل، به‌ویژه پس از آثار توماس کوهن در فلسفه علم، به معنای الگویی فکری است که در یک سنت علمی یا فکری، نوع پرسش‌ها، شیوه طرح مسئله، روش تحلیل و حتی معیارهای اعتبار علمی را شکل می‌دهد. البته معنای اصطلاحی «پارادایم» در فلسفه علم دقیقاً همان معنایی نیست که انسان‌شناسان در تعبیر «پارادایم فرهنگی» به کار می‌برند.

در انسان‌شناسی فرهنگی، مخصوصاً پس از کلیفورد گیرتز، فرهنگ معمولاً همچون شبکه‌ای از نشانه‌ها، نمادها و معانی فهمیده می‌شود؛ شبکه‌ای که انسان‌ها درون آن زندگی می‌کنند و از طریق آن به تجربه‌های خود معنا می‌دهند. از این منظر، آیین‌ها، داستان‌ها، نمادها، مکان‌ها، اشخاص مقدس، اشعار، تصاویر، لباس‌ها، رنگ‌ها و حتی حرکات بدنی، همه می‌توانند حامل معنا باشند و در کنار یکدیگر یک نظام فرهنگی را شکل دهند.

به نظر می‌رسد اصطلاح «پارادایم کربلا» نیز در همین زمینه انسان‌شناختی و نشانه‌شناختی پدید آمده است. مقصود از این اصطلاح، مجموعه‌ای از روایت‌ها، نمادها، آیین‌ها، شخصیت‌ها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری است که حول واقعه کربلا و عاشورا شکل گرفته و در ذهن و زندگی جامعه شیعی حضور فعال دارد. در این چارچوب، کربلا فقط یک حادثه در سال ۶۱ هجری نیست، بلکه یک الگوی تفسیر جهان است؛ یعنی جامعه شیعه با یادآوری و احیای مکرر کربلا، موقعیت‌های جدید را می‌سازد، معنا می‌کند، ارزش‌گذاری می‌نماید و از آن برای تصمیم‌گیری اخلاقی، دینی، اجتماعی و حتی سیاسی الهام می‌گیرد.

4. Aghaie, Kamran Scot. *The Martyrs of Karbala: Shi'i Symbols and Rituals in Modern Iran*. 1st ed, University of Washington Press, 2015.

این کتاب به فارسی هم ترجمه و منتشر شده است:

• آقایی، کامران اسکات، *شهادت کربلا: نمادها و مناسک شیعی در ایران مدرن*، ترجمه‌ی ملیحه درگاهی، تهران: نشر یکشنبه

5. Aghaie, Kamran Scot, et al. *The Women of Karbala: Ritual Performance and Symbolic Discourses in Modern Shi'i Islam*. University of Texas Press, 2005.

این کتاب به دو شکل زیر به فارسی ترجمه و منتشر شده است:

• آقایی، کامران اسکات، *زنان کربلا*، ترجمه‌ی ملیحه درگاهی، تهران: انتشارات یکشنبه

• آقایی، کامران اسکات، *زنان کربلا*، ترجمه‌ی پرستو

6. Deeb, Lara. "Living Ashura in Lebanon: Mourning Transformed to Sacrifice." *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East* 25, no. 1 (2005): 122–137.

7. Akbar, Said Hyder. *Reliving Karbala Martyrdom in South Asian Memory*. Oxford University Press, 2006.

8. Szanto, Edith. "Beyond the Karbala Paradigm: Rethinking Revolution and Redemption in Twelver Shi'a Mourning Rituals." *Journal of Shi'a Islamic Studies* 6.1 (2013): 75–91.

9. Gözl, Olmo. "Martyrdom and Masculinity in Warring Iran: The Karbala Paradigm, the Heroic, and the Personal Dimensions of War." *Behemoth: A Journal on Civilisation* 12, no. 1 (2019): 35–51.

10. Parkes, Aidan. "The Ashura Assemblage: Karbala's Religious Urban Fabric and Reproduction of Collective Shi'i Identity." *Religions* 12.10 (2021): 904.

بدن عزادار، در دوره‌های مختلف معانی متفاوتی پیدا کرده‌اند. گاهی عاشورا بیشتر با اندوه، شفاعت، گریه و نجات اخروی فهمیده شده است؛ گاهی با عدالت‌خواهی، انقلاب، مبارزه با ظلم و مسئولیت اجتماعی؛ و در بسیاری از موارد نیز این معانی در کنار یکدیگر حضور داشته‌اند، نه اینکه الزاماً یکی جای دیگری را کاملاً گرفته باشد.

بنابراین، «پارادایم کربلا» را می‌توان چنین تعریف کرد: شبکه‌ای از روایت‌ها، نمادهای، آیین‌ها، شخصیت‌ها و ارزش‌های شیعی که محور آن واقعه کربلاست و جامعه شیعی از طریق آن، تاریخ خود را به یاد می‌آورد، هویت خود را بازسازی می‌کند، موقعیت‌های جدید را معنا می‌کند، میان حق و باطل داوری می‌کند و برای کنش فردی و جمعی خود الگو می‌گیرد. لازم به ذکر است که برخی پژوهشگران به جای اصطلاح «پارادایم کربلا» از تعبیر «پارادایم عاشورا» استفاده می‌کنند. تفاوت این دو تعبیر معمولاً اساسی نیست؛ «کربلا» بیشتر بر مکان و واقعه تاریخی تأکید دارد، در حالی که «عاشورا» بیشتر بر روز، آیین‌ها و حافظه مناسکی آن واقعه دلالت می‌کند. با این حال، در بسیاری از مطالعات، این دو تعبیر تقریباً به یک حوزه معنایی اشاره دارند.

گفتمان عاشورا و کربلا آنچنان با شیعه عجین شده که بر روی بسیاری کتب و تولیدات در موضوع شیعه، تصویری از نمادهای مرتبط با قیام امام حسین (ع) نقش می‌بندد.

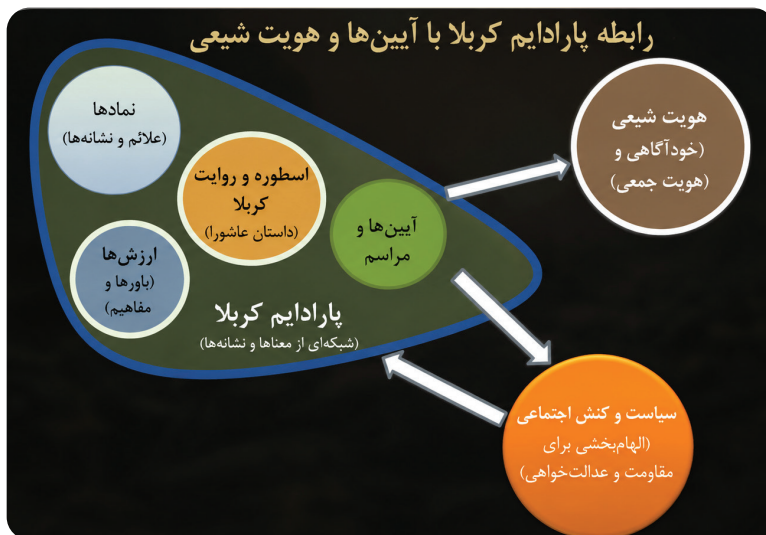


نماد ظلم، فساد، تکبر و دنیاپرستی است؛ اما اینکه در هر دوره چه شخص، حکومت، ساختار یا اندیشه‌ای «یزیدی» دانسته شود، می‌تواند بر اساس شرایط تاریخی و اجتماعی متفاوت باشد. به همین دلیل، پارادایم کربلا قابلیت تطبیق بر مصادیق جدید را دارد و در هر دوره می‌تواند زبان تازه‌ای برای فهم ظلم، مقاومت، عدالت، شهادت، وفاداری و هویت دینی فراهم کند.

از این جهت، بسیاری از پژوهش‌های غربی درباره عاشورا تلاش کرده‌اند حرکت و تغییر این پارادایم را در طول زمان دنبال کنند. این پژوهش‌ها می‌پرسند که چگونه آیین‌های عزاداری، تعزیه، روضه، دسته‌های عزاداری، زیارت، نذر، سینه‌زنی، زنجیرزنی، نقش زنان، شعارها، تصاویر، مکان‌های مقدس و حتی

در این پارادایم، گذشته، حال و آینده در پیوند با یکدیگر فهمیده می‌شوند. یادآوری تاریخ کربلا برای جامعه شیعی فقط یادآوری یک مصیبت نیست؛ بلکه نوعی خودآگاهی تاریخی و دینی می‌آفریند. شیعه از طریق این حافظه جمعی می‌فهمد که چه کسی مظلوم است، چه کسی ظالم است، چه چیزی وفاداری و چه چیزی خیانت است، چه چیزی حق است و چه چیزی باطل. از همین رو، شخصیت‌هایی مانند امام حسین (ع)، حضرت زینب (س)، حضرت عباس (ع)، حُرّ، مسلم بن عقیل، حبیب بن مظاهر و اصحاب امام (سلام خدا بر ایشان باد)، تنها شخصیت‌های تاریخی نیستند؛ بلکه به صورت الگوهای اخلاقی و دینی در زندگی شیعی حضور پیدا می‌کنند. در مقابل، یزید، ابن زیاد، عمر سعد و شمر نیز فقط اشخاص تاریخی نیستند، بلکه نشانه‌هایی از ظلم، فساد، دنیاطلبی، خیانت، تکبر و دشمنی با حق به شمار می‌آیند.

البته یکی از نکات مهم در مطالعات انسان‌شناختی این است که پارادایم کربلا یک مجموعه ثابت و کاملاً بسته نیست. اجزای آن، با اینکه نوعی وحدت و پیوستگی دارند، در زمان‌ها و مکان‌های مختلف می‌توانند معانی متفاوتی پیدا کنند. برای مثال، امام حسین (ع) همواره نماد حق، صدق، شجاعت، ایثار، بندگی خدا و مقاومت در برابر ظلم است؛ اما اینکه در هر دوره چه کسی یا چه جریانی «حسینی» تلقی شود، ممکن است تغییر کند. همچنین یزید همواره



منابع برای مطالعه بیشتر:

Geertz, Clifford. The Interpretation of Cultures: Selected Essays. New York: Basic Books, 1973.
 Keddie, Nikki R., ed. Religion and Politics in Iran: Shi'ism from Quietism to Revolution. New Haven: Yale University Press, 1983.
 Kuhn, Thomas S. The Structure of Scientific Revolutions. Chicago: University of Chicago Press, 1962.



وقتی نسل جدید مسیحیان آمریکا از اسرائیل فاصله می‌گیرد

سرکار خانم محمدی

حمایت بی چون و چرای جریان مسیحیت صهیونیسم از صهیونیست‌ها و ساکنان یهودی سرزمین‌های اشغالی، طی نزدیک به یک قرن گذشته، همواره یکی از شاخصه‌های اصلی اعتقادی این جریان به شمار می‌رفته است. پیروان این تفکر بر این باور بودند که یهودیان، قوم برگزیده خداوند هستند و حمایت مطلق از آن‌ها، نه یک انتخاب، بلکه وظیفه‌ای حتمی برای تحقق ظهور عیسی مسیح محسوب می‌شود. اما در سال‌های اخیر، به دلایل گوناگون از جمله جنایات آشکار و وحشی‌گری‌های رژیم صهیونیستی، این الگوی دیرپا دستخوش تغییر شده و نشانه‌هایی از تحول در باورهای این جریان پدیدار گشته است. آنچه زمانی یک اصل غیرقابل انکار تلقی می‌شد، اکنون در میان نسل‌های جدیدتر مسیحیان اوانجلیست با تردید، پرسش و حتی انکار مواجه شده است.



به مسیحیان پروتستان اوانجلیستی بوده است زیرا آنها با ۱۰ درصد کاهش جمعیت در صدر جدول کاهش قرار می‌گیرند و در رتبه بعد پروتستان‌های غیر اوانجلیست با ۵ درصد کاهش و سپس کاتولیک‌ها با نزدیک ۴ درصد کاهش در رتبه‌های بعدی جای دارند^۱. جالب‌تر آنکه این کاهش کمی آمار پروتستان‌های اوانجلیست با یک

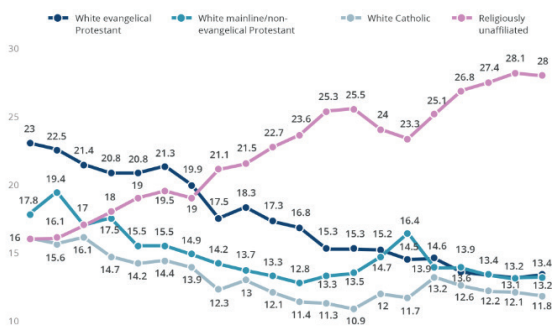
در سال‌های گذشته، مؤسسات و بنیادهای نظرسنجی در آمریکا همواره آمارهای گوناگونی درباره تغییرات جمعیتی پیروان فرقه‌های مختلف مسیحیت منتشر کرده‌اند. در این نظرسنجی‌ها عمدتاً آمارهای ۳ گروه مسیحیان کاتولیک، مسیحیان پروتستان اوانجلیست و مسیحیان پروتستان غیر اوانجلیست بیان می‌شود.

آمارگیری مؤسسه PRRI (مؤسسه تحقیقاتی دین همگانی) در سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که هر سه گروه بزرگ مسیحی در آمریکا سهمی نزدیک به هم دارند: مسیحیان کاتولیک با حدود ۱۲ درصد، پروتستان‌های اوانجلیست با حدود ۱۳ درصد، و پروتستان‌های غیراوانجلیست نیز تقریباً ۱۳ درصد از جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند. در سال ۲۰۰۶، نتایج نظرسنجی همین مؤسسه (PRRI) تصویری متفاوت از ترکیب مسیحیان آمریکا نشان می‌داد: مسیحیان کاتولیک حدود ۱۶ درصد، پروتستان‌های انجیلی تقریباً ۲۳ درصد، و پروتستان‌های غیرانجیلی نیز حدود ۱۸ درصد از کل جمعیت ایالات متحده را تشکیل می‌دادند.

از مقایسه نتایج این آمارگیری در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۲۵ مشاهده می‌شود که بیشترین میزان کاهش در پیروان فرقه‌های مسیحیت مختص



FIGURE 2. The Decline of White Christians and Rise of the Religiously Unaffiliated Over Two Decades
Percent who identify as:



1. <https://prri.org/press-release/new-prri-data-rebuts-religious-revival-claims>.

در گزارش مذکور، شکاف نسلی جالبی در مورد «نقش اسرائیل در پیشگویی‌های کتاب مقدس» نیز دیده می‌شود: به طور کلی، ۵۵٪ از کل پاسخ‌دهندگان اوانجلیستی این موضوع را ضروری می‌دانند، اما در میان اوانجلیست‌های زیر ۳۵ سال، تنها ۴۵٪ آن را مسئله‌ای مهم تلقی می‌کنند. در مقابل، ۶۵٪ از اوانجلیست‌های مسن‌تر به اهمیت این نقش باور دارند؛ تفاوتی ۲۰ درصدی که نشان می‌دهد باورهای آخرازمایی و دینی در نسل جوان اوانجلیستی دستخوش تحول شده است.

ترکیب این دو روند، تصویر روشنی از تحولات فرهنگی و مذهبی در آمریکا ارائه می‌دهد. افول نفوذ اوانجلیست‌ها، که زمانی حامیان سرسخت اسرائیل و آرمان‌های صهیونیستی مسیحی بودند، با تغییر نسلی در باورهای دینی همزمان شده است. نسل جوان آمریکایی، به طور کلی مذهبی‌تر از نسل‌های قبل نیست و حتی در میان آن دسته که خود را اوانجلیست معرفی می‌کنند، باورهای بنیادینی مانند «قوم برگزیده بودن یهودیان» به طور قابل توجهی رو به تضعیف است. کاهش گرایش‌های مذهبی در جامعه آمریکا، هم‌زمان با تشدید تنش میان یهودیان شهرک‌نشین و مسیحیان اوانجلیست و واکنش‌های متعصبانه صهیونیست‌ها، و نیز پیامدهای اقدامات نظامی اسرائیل در غرب آسیا، از عوامل کلیدی در تغییر رویکرد نسل جوان اوانجلیست محسوب می‌شود.



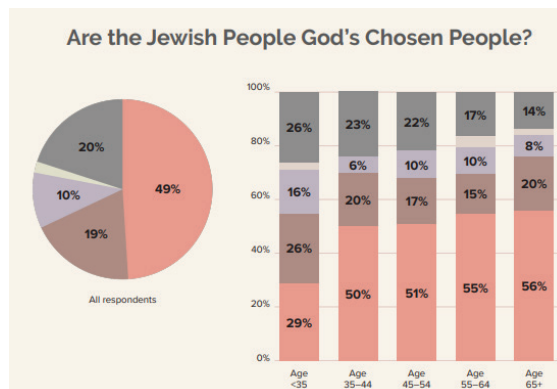
چرخش نسل Z علیه اسرائیل

تغییر نگرش در نظام اعتقادی مسیحیان نسبت به جایگاه اسرائیل، با تعدیل حمایت‌های بی‌قید و شرط پیشین، اسرائیل را ناگزیر به پاسخگویی در قبال اقدامات خود می‌کند؛ فرآیندی که چالش‌های سیاسی و دیپلماتیک جدی را متوجه سیاست‌های صهیونیستی خواهد کرد.

تغییر کیفی در نسل جوان آن‌ها همراه شده است. اوانجلیست‌های زیر ۳۵ سال در سال‌های اخیر موضعی متفاوت از یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌های اعتقادی گروه خود گرفته‌اند و دیگر مانند گذشته بر حمایت از صهیونیست‌ها به عنوان یک اصل، پافشاری نمی‌کنند.



بر اساس گزارش «تقاطع باورها: انجیلی‌ها و قوم یهود»^۲ که به تازگی توسط مؤسسات Infinity Concepts و Grey Matter منتشر شده^۳، نظرسنجی آنلاین از ۱۰۰۸ پروتستان اوانجلیست نشان می‌دهد که در مجموع ۴۹٪ از پاسخ‌دهندگان، یهودیان را قوم برگزیده خدا می‌دانند. با این حال، این باور در میان اوانجلیست‌های جوان بسیار ضعیف‌تر است؛ به طوری که تنها ۲۹٪ از شرکت‌کنندگان زیر ۳۵ سال با این اعتقاد موافق بودند. در مقابل، در گروه‌های سنی بالاتر، میزان این باور افزایش می‌یابد: ۵۰٪ در گروه ۳۵ تا ۴۴ سال، ۵۱٪ در گروه ۴۵ تا ۵۴ سال، ۵۵٪ در گروه ۵۵ تا ۶۴ سال و ۵۶٪ در میان افراد ۶۵ سال و بالاتر همچنان بر این باور تأکید دارند.



سؤال مطرح شده این است: آیا یهودیان قوم برگزیده خداوند هستند؟ تفاوت معنادار ستون اول (زیر ۳۵ سال) را ببینید.

2. Crossroads of Belief Evangelicals and the Jewish People.
3. <https://www.infinityconcepts.com/wp-content/uploads/2025/09/Crossroads-of-Belief-Downloadable.pdf>.



اشک‌های گزینشی: اوانجلیسم، صهیونیسم و ارزش‌گذاری متناقض بر جان انسان‌ها

سرکار خانم اسلامی



هند رجب، دختر ۶ ساله فلسطینی

در یکی از تاریک‌ترین روزهای جنگ غزه، صدای یک دخترچه ۶ ساله به نام «هند رجب» که در خودرویی پر از اجساد خانواده‌اش در میان وحوش صهیونیستی به دام افتاده بود، از طریق یک تماس تلفنی ۷۰ دقیقه‌ای با هلال احمر، جهان را لرزاند. این فاجعه واقعی در سال ۲۰۲۵ توسط یک کارگردان تونسی در قالب فیلمی با عنوان «صدای هند رجب»^۱ به تصویر کشیده شد. فیلمی که تهیه‌کنندگان اجرایی آن چهره‌های مطرحی چون برد پیت و واکین فینیکس، بازیگر و کارگردان مطرح هالیوودی هستند. این اثر چنان تکان‌دهنده و هنرمندانه از آب درآمده که در جشنواره فیلم ونیز رکورد تاریخی ۲۳ دقیقه تشویق ایستاده را به خود اختصاص داد و طولانی‌ترین تشویق تاریخ این جشنواره را ثبت کرد.



هند رجب، دختر ۶ ساله داستان که تنها بازمانده در ماشین است، با مرکز فوریت‌های هلال احمر فلسطین در کرانه باختری تماس می‌گیرد و ساعت‌ها التماس می‌کند: «بیایید من را ببرید، لطفاً». اپراتورهای هلال احمر تمام تلاش خود را جهت هماهنگی با ارتش اسرائیل برای عبور آمبولانس از منطقه قرمز و نجات هند رجب انجام می‌دهند. پس از ساعت‌ها انتظار، سرانجام یک تیم آمبولانس عازم می‌شود، اما تنها چند متری خودروی هند مورد اصابت گلوله بمب قرار گرفته و منهدم می‌شود و امدادگران شهید می‌شوند. ارتباط با هند نیز برای همیشه قطع می‌شود...

دلسوزی برای گرگ‌ها

این داستان دلخراش زمانی دردناک‌تر می‌شود که حامیان

اوانجلیستی صهیونیست‌ها در راستای تحقق و عمل به شعار تبلیغاتی خود مبتنی بر لزوم حمایت همه‌جانبه از اسرائیل، در سال گذشته یک آمبولانس فوق پیشرفته را به ساکنان سرزمین‌های اشغالی هدیه کردند. در مراسم نمادین اهداء این آمبولانس، چهره‌ها و کشیش‌های اوانجلیستی بسیار مشهوری همچون فرانکلین گراهام، مایک هاگی و گرگ لوری حضور داشتند.

وجود استانداردهای دوگانه صهیونیسم و بنیادگرایی اوانجلیستی، سرچشمه خلق فجایع انسانی ضدونقیضی شده است: در یک سو، آمبولانسی که برای نجات دختری شش ساله و تنها به دل‌آتش می‌زند، هدف بمباران قرار می‌گیرد؛ اما سوی دیگر، پیشرفته‌ترین آمبولانس‌ها با افتخار در اختیار صهیونیست‌ها گذاشته می‌شود و فرانکلین گراهام

1. The Voice of Hind Rajab



مراسم نمادین اهداء آمبولانس به ساکنان سرزمین‌های اشغالی



تصویر آمبولانس منهدم شده در مسیر امدادرسانی به هند رجب

به بیان دیگر داستان هند رجب و موارد مشابه آن، عصاره تمام تناقض‌های هولناکی است که در سایه دورویی اوانجلیستی و صهیونیستی رخ می‌دهد. در این معادله شیطانی، یک آمبولانس فرسوده که برای نجات کودکی شش ساله به دل منطقه جنگی می‌زند، هدف موشک‌های به ظاهر متمدن‌ترین ارتش جهان قرار می‌گیرد و هم‌زمان، پیشرفته‌ترین آمبولانس‌ها در مراسمی نمادین با دست‌ان آلوده به خون، به اشغالگران هدیه داده می‌شود. اما وجدان بیدار جامعه جهانی، صدای التماس‌های هند رجب و کودکان مظلوم در سراسر جوامع اسلامی را می‌شنود؛ صدایی که برای اوانجلیست‌های مدعی ایمان، تنها یک پارازیت مزاحم در سناریوی جعلی آخرالزمانشان خواهد بود. این امر نشان‌دهنده رویکردی گزینشی در روایت‌گری است؛ به‌گونه‌ای که تنها رویدادها و رخدادهایی برجسته و بازنمایی می‌شوند که با روایت مطلوب و از پیش تعیین شده آنان همخوانی داشته باشند. در مقابل، بسیاری از جنایات و واقعیت‌های ناهمسو به صورت آگاهانه نادیده گرفته یا کم‌رنگ می‌شوند تا تصویر مورد نظر آنان خدشه‌دار نشود و روایت مسلط همچنان حفظ گردد. این همان خط سیری است که جنایت عظیم کشتار کودکان مظلوم در مدرسه شجره طیبه میناب را عادی‌سازی می‌کند و حتی با توجیهاتی سخیف، درصد دفاع از آن بر می‌آید.

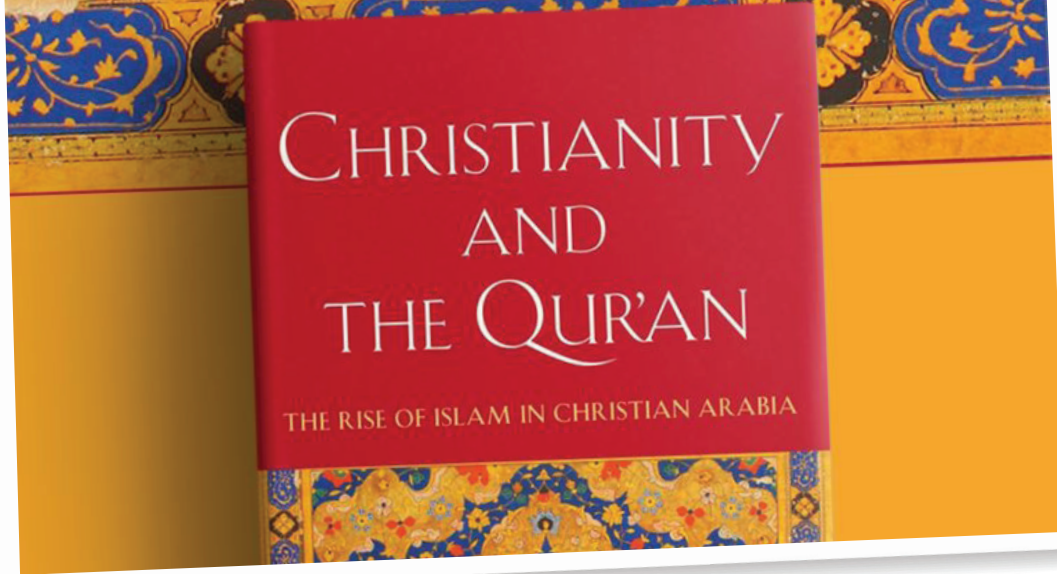
نیز در این زمینه بیان می‌کند:

ما این آمبولانس را به خداوند عیسی مسیح تقدیم می‌کنیم. مهم است که به مردم اسرائیل نشان دهیم ما به عنوان مسیحیان در کنارشان ایستاده‌ایم.^۲

نگاه ابزاری و متناقض اوانجلیست‌ها به رنج انسان‌ها محدود به یک حادثه نیست؛ ردّ این دورویی را می‌شود در بسیاری از وقایع سال‌های اخیر به وضوح دنبال کرد. به عنوان نمونه تنها چند ماه پس از عملیات طوفان الاقصی، گرگ لوری - از کشیش‌های بانفوذ اوانجلیستی و حامی سرسخت اسرائیل - در یکی از گردهمایی‌های خود دقایق طولانی را صرف روایت داستانی احساسی، و چه‌بسا ساختگی، از دو کودک اسرائیلی کرد که والدینشان مجبور شده‌اند آن‌ها را دقایقی در پناهگاهی زیرزمینی تنها بگذارند. او با آب و تاب از وحشت و بی‌پناهی این کودکان گفت؛ در حالی که همان رسانه‌ها و تریبون‌ها در برابر سال‌ها کشتار بی‌امان کودکان بی‌پناه فلسطینی و قتل‌عام کودکان میناب در جنگ رمضان نه تنها سکوتی مرگبار اختیار کرده‌اند، بلکه این فجایع را صرفاً «بخشی از وقایع طبیعی آخرالزمان» می‌پندارند و بی‌اعتنا از کنارشان می‌گذرند. گویی ارزش اشک‌های یک کودک در این نگاه، نه به انسانیتش، که به تابعیت و جایگاهش در سناریوی ساختگی و جعلی آخرالزمانی بستگی دارد.



2. <https://afmda.org/news/samaritans-purse-bulletproof/>



کتاب «مسیحیت و قرآن: طلوع اسلام در عربستان مسیحی»: نگاهی جدید به خاستگاه شکل‌گیری اسلام

● مسعود زائری

عمده فعالیت‌های علمی خود را به پژوهش درباره قرآن کریم و زمینه‌های تاریخی و دینی شکل‌گیری آن اختصاص داده است. وی در آثار خود تلاش کرده با بهره‌گیری از رویکردی متفاوت، به بررسی قرآن در بستر تاریخی و فرهنگی عصر ظهور اسلام بپردازد. رینولدز با تمرکز بر روابط اسلام و مسیحیت و تعاملات مسلمانان و مسیحیان در سال‌های نخستین اسلامی، به مطالعه قرآن روی آورده و در این زمینه تألیفاتی داشته است.

کتاب «مسیحیت و قرآن: طلوع اسلام در عربستان مسیحی»^۲ جدیدترین کتاب منتشر شده از رینولدز با محوریت قرآن کریم است که در این کتاب، نگاهی بدیع و چالش‌برانگیز به خاستگاه اسلام ارائه می‌کند. به باور او، قرآن در محیطی به طور عمده مسیحی پدید آمده است. او تأکید می‌کند که برخلاف تصویر رایج حاکم بر تاریخ اسلام مبنی بر اینکه عربستان پیش از اسلام سرزمینی بت‌پرست و مشرک بوده‌اند، شواهد تاریخی نشان می‌دهد بخش‌هایی از حجاز پیش از اسلام جمعیت مسیحی چشمگیری داشته است. در این دیدگاه، پیامبر اسلام و کتاب آسمانی او عمدتاً در گفت‌وگو با آموزه‌ها و متن‌های مسیحی به ظهور رسیده‌اند. به عنوان مثال، قرآن بارها به داستان‌های دینی مسیحیان مانند زندگی حضرت عیسی (ع) و مریم (س) ارجاع می‌دهد.

رینولدز نشان می‌دهد قرآن از تعبیرات کتاب مقدس (عهد عتیق و جدید) استفاده می‌کند تا نظر خود را بیان کند؛ برای مثال مفاهیمی

مطالعات اسلامی در غرب طی دهه‌های اخیر روند فزاینده و شتابانی را تجربه کرده است. پژوهشگران غربی و اسلام‌شناسان، طیف گسترده‌ای از آموزه‌ها، باورها و گزاره‌های اسلامی را به عنوان مسائل پژوهشی مورد بررسی قرار داده و درباره ابعاد مختلف آن‌ها تحقیقات متعددی انجام داده‌اند. به‌گونه‌ای که امروزه کمتر موضوعی در حوزه معارف اسلامی را می‌توان یافت که از دایره توجه و پژوهش‌های آکادمیک غربی دور مانده باشد. در این میان حوزه مطالعات قرآنی را می‌توان یکی از متقدم‌ترین و شاید مهم‌ترین شاخه‌های اسلام‌پژوهی در غرب دانست. این حوزه از بیش از یک قرن پیش، با پژوهش‌های مستشرقانی چون ایگناز گلدزیهر، وارد مرحله‌ای جدید شد^۱ و به تدریج جایگاه ویژه‌ای در میان تحقیقات آکادمیک غربی یافت. این روند تا امروز نیز تداوم داشته و نسل‌های مختلف قرآن‌پژوهان غربی، با رویکردهای مختلف به مطالعه قرآن کریم پرداخته‌اند.

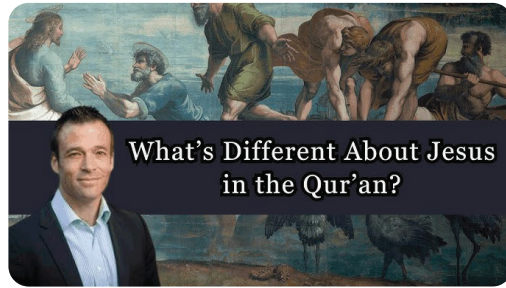
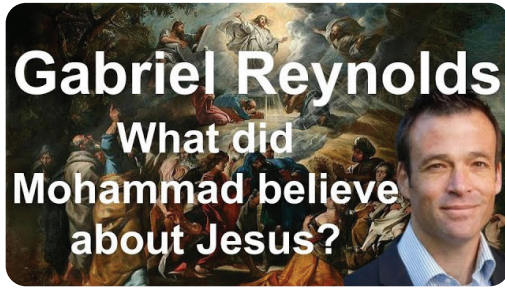
گابریل سعید رینولدز^۲، دانش‌آموخته دانشگاه بیبل و استاد الهیات و مطالعات اسلامی در دانشگاه نوتردام، از جمله پژوهشگران برجسته غربی در حوزه مطالعات قرآنی به شمار می‌آید که بخش



۱. این مهم با تألیف کتاب «گرایش‌های مسلمانان در تفسیر قرآن» در سال ۱۹۲۰ اتفاق افتاد.

2. Gabriel Said Reynolds

3. Reynolds, Gabriel Said. Christianity and the Qur'an: The Rise of Islam in Christian Arabia. Yale University Press, 2025.



رینولدز
برنامه‌های
رسانه‌ای مختلفی
در موضوع رابطه
اسلام و قرآن با
مسیحیت اجرا
می‌کند

دیدگاه رینولدز اگرچه پژوهشی تخصصی در مطالعات قرآنی است، ولی تبعات گسترده‌ای برای ارتباط میان مسلمانان و مسیحیان دارد. به گفته وی، قرآن از همان ابتدا آموزه‌های مسیحی را در نظر داشته و شناخت این تعامل خلاقانه می‌تواند به مسلمانان و مسیحیان کمک کند تا یکدیگر را بهتر بفهمند. مؤسسه دین پژوهی دانشگاه نوتردام نیز تأکید کرده است که تحقیق در مورد نحوه تعامل قرآن و مسیحیت اولیه می‌تواند منجر به گفتگوی سازنده‌تری میان پیروان دو دین شود. این رویکرد پژوهشی نوین فرصتی فراهم می‌کند تا جنبه‌های مشترک متن قرآن و میراث مسیحی برجسته شود و بنیان‌های علمی گفتگوی ادیان تقویت گردد.

چون «گذراندن شتر از سوراخ سوزن» یا «دانه خردل» که پیشتر در متون مسیحی-یهودی وجود داشته‌اند، در قرآن به معنای جدیدی به کار رفته است. رینولدز معتقد است این اقتباس‌ها تصادفی نیستند و حکایت از تأثیر محیط مسیحی-یهودی بر آموزه‌های مطرح شده در اسلام نخستین دارد. با این حال رینولدز اذعان می‌کند این موارد لزوماً گواه بر وابستگی قرآن به کتاب مقدس نیستند، بلکه نشانه‌ای از تعامل خلاق قرآن با بافت مذهبی کتاب مقدس مسیحیت هستند.^۴ این محقق با این استدلال نتیجه می‌گیرد که قرآن نه یک متن مسیحی است و نه وابسته به مسیحیت است، بلکه صرفاً آموزه‌ها و مشروعیت پیامبر اسلام را در محیطی مسیحی و یهودی تثبیت می‌کند. این کتاب در قالب چهار فصل اصلی تنظیم شده است:

فصل اول: نظریات سنتی درباره مسیحیت در عربستان [زمان حضرت] محمد

رینولدز دیدگاه‌های پیشین درباره نقش مسیحیت در عربستان پیش از اسلام را بررسی کرده و سعی می‌کند تا با مطالعات زبانی موجود مانند بررسی کاربرد لفظ «الله» پیش از پیامبر، رواج صرف دین بت پرستی در دوره قبل از اسلام را نقد نماید.

فصل دوم: مواد و مطالب مسیحی در قرآن

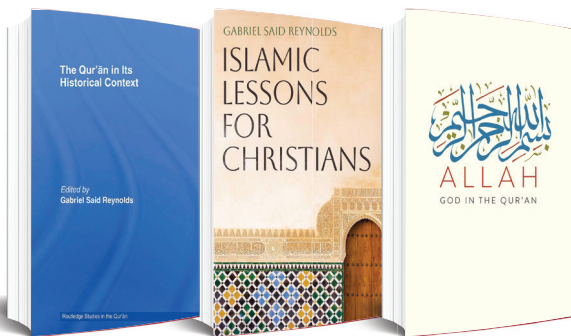
در این بخش به محتوای قرآن پرداخته می‌شود که صراحتاً اشاره به مفاهیم و داستان‌های عهدین دارد. رینولدز نشان می‌دهد قرآن با نقل روایت‌هایی از شخصیت‌های انجیلی و به کارگیری عبارات کتاب مقدس، آموزه‌های خود را مطرح می‌کند. این استفاده از عناصر مشترک میان قرآن و کتاب مقدس برای ارتباط با مخاطبانی است که با روایت‌های مسیحی آشنا بوده‌اند.

فصل سوم: مسیحیت در بافت تاریخی قرآن

در این فصل شواهد تاریخی و باستان‌شناختی حضور مسیحیت در حجاز بررسی شده است. رینولدز می‌گوید در کتیبه‌های عربی پیشا اسلامی، در مقابل تعداد اندک نوشته‌های بت پرستان، آثار متعددی از تعالیم مسیحی یافت می‌شود.

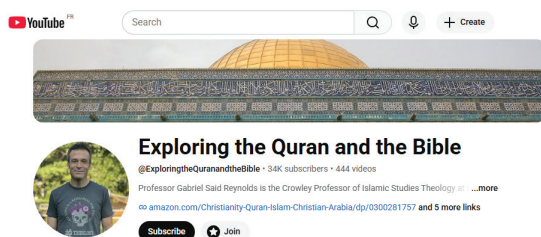
فصل چهارم: قرآن در گفتگو با مسیحیت

این فصل بر نحوه تعامل قرآن با مسیحیت تمرکز دارد. نویسنده تأکید می‌کند که قرآن در مواردی ویژگی‌های مسیحی را نکوهش می‌کند و آموزه‌های خود را به عنوان جانشین دین آسمانی معرفی می‌کند. به بیان او، قرآن در نهایت آموزه‌های مسیحیت را مورد نقد قرار می‌دهد و از استقلال دین اسلام و مشروعیت پیامبری حضرت محمد (ص) دفاع می‌کند.



برخی از آثار گابریل رینولدز

در پایان لازم به ذکر است گابریل سعید رینولدز از جمله محققان پرکار امروزی است که در سال‌های اخیر تألیفات قابل توجهی داشته است. وی در سال ۲۰۲۰ از سوی پاپ فرانسیس به عنوان مشاور کمیسیون گفت‌وگوی بین‌ادیان با مسلمانان منصوب شد.^۵ او در عین حال ریاست انجمن بین‌المللی مطالعات قرآنی (IQSA) را برعهده دارد و با کانال یوتیوب خود با عنوان «کاوشی در قرآن و کتاب مقدس» (Exploring the Qur'an and the Bible) تلاش می‌کند یافته‌های قرآن‌شناسی را در دسترس عموم قرار دهد.



صفحه اختصاصی گابریل رینولدز در یوتیوب

4. <https://yalebooks.yale.edu/book/9780300281750/christianity-and-the-quran/>

5. <https://news.nd.edu/news/pope-francis-appoints-notre-dame-theologian-to-commission-for-catholic-muslim-dialogue.>

6. <https://www.youtube.com/c/ExploringtheQuranandtheBible.>



مئیر لیتواک، ایران شناس اسرائیلی در خدمت سیاست‌های استراتژیک غرب

زهیر دهقانی آرانی

برای سیاست خاور نزدیک (۲۰۱۰) و کمک‌های مالی متعددی از جمله فولبرایت، دایان و کمک هزینه تحقیقاتی بنیاد علوم اسرائیل را دریافت کرده است.

بررسی مقالات، کتاب‌ها و همچنین سوابق اجرایی این مستشرق اسرائیلی نشان می‌دهد که فعالیت‌های علمی او، در عمل همسو با اهداف سیاسی صهیونیسم و در خدمت جبهه جهانی باطل قرار دارد که در ادامه به چند مورد اشاره می‌کنیم.

لیتواک در سال ۲۰۰۶ با انتشار کتاب «جوامع خاورمیانه و غرب: سازگاری یا برخورد تمدن‌ها؟»^۱ تلاش کرد تا دغدغه خود درباره رابطه میان جوامع شرقی و غربی را به صورت علمی و تحلیلی بررسی کند. او در این اثر نشان می‌دهد که تحلیل‌های دو قطبی و نظریه‌هایی مانند برخورد تمدن‌ها نمی‌توانند پیچیدگی‌های این رابطه را به طور کامل توضیح دهند. به باور نویسنده، مواجهه خاورمیانه با غرب همواره چندلایه، متنوع و پیچیده بوده است بدین ترتیب که در کنار تقابل‌های ایدئولوژیک و سیاسی، عوامل متعددی مانند شرایط سیاسی، اجتماعی، مذهبی و تاریخی، در شکل‌دهی مناسبات میان خاورمیانه و غرب نقش دارند.

مئیر لیتواک^۱ از جمله مستشرقان مهم و فعال در سرزمین‌های اشغالی است که در حال حاضر ریاست یکی از مهم‌ترین مراکز ایران‌پژوهی حال را بر عهده دارد.

لیتواک مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه تل‌آویو سپری نمود و مدرک دکترای خود را از دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۹۱ اخذ کرد. موضوع رساله دکترای او به تحلیل سیاسی اجتماعی علمای نجف و کربلا اختصاص دارد که با راهنمایی روی پرویز متحده و عباس امانت صورت داده است.^۲

لیتواک از سال ۱۹۹۳ به عنوان پژوهشگر در مرکز موشه دایان شروع به کار کرد و پس از طی مراحل مختلف به عنوان استاد و پژوهشگر در دانشگاه تل‌آویو و همچنین عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات پیشرفته در دانشگاه عبری اورشلیم منصوب شد و در حال حاضر نیز در کنار مناصب علمی خود، ریاست دپارتمان تاریخ خاورمیانه و آفریقا در دانشگاه تل‌آویو^۳ و مدیریت مؤسسه مهم استراتژیک آلیانس برای مطالعات ایرانی^۴ را نیز بر عهده دارد.

لیتواک به واسطه تحقیقات و اقدامات پرشمار خود، جوایزی از جمله جایزه لاندائو (۱۹۸۴) و جایزه طلایی کتاب مؤسسه واشنگتن

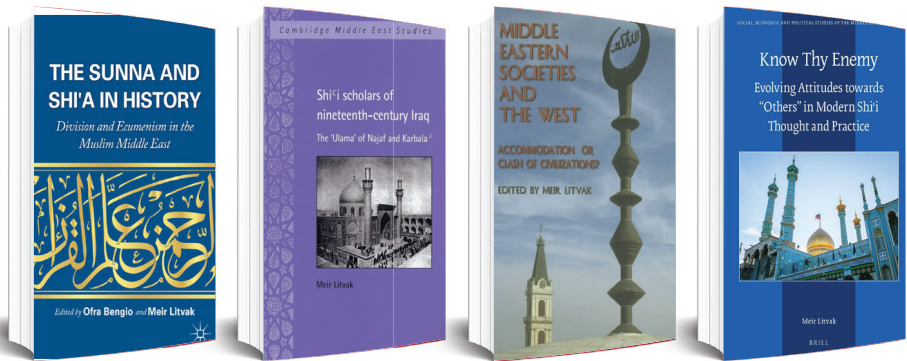
1. Meir Litvak.

2. <https://english.tau.ac.il/profile/litvak>.

3. the Department of Middle Eastern and African History.

4. The Alliance Center for Iranian Studies.

5. Litvak, Meir. *Middle Eastern Societies and the West: Accommodation or Clash of Civilizations?* Moshe Dayan Center for Middle Eastern and African Studies, Tel Aviv University, 2006.



برخی کتاب‌های مئیر لیتواک

دارد. پرداخته است.^۸ او این مباحث را نه صرفاً از منظر علمی، بلکه در چارچوب اهدافی گسترده‌تر دنبال می‌کند؛ اهدافی که در نهایت تحقیقات وی را در خدمت سیاست‌ها و نیازهای جوامع استعماری قرار می‌دهد.

اما همانگونه که اشاره شد لیتواک در حال حاضر ریاست مرکز راهبردی آلیانس برای مطالعات ایرانی دانشگاه تل آویو را نیز بر عهده دارد و به همین مناسبت تمرکز ویژه‌ای بر کشور ایران دارد. در این راستا او مقالات مختلفی مانند «جمهوری اسلامی ایران و هولوکاست: یهودستیزی و صهیونیسم‌ستیزی»^۹، «عدالت و ولایت در تشیع ایرانی پس از انقلاب»^{۱۰}، «ملت محبوب خدا: ملی‌گرایی مذهبی جدید در ایران»^{۱۱} و چندین مقاله دیگر نگاشته است.

لیتواک در قامت یک ایران‌شناس بنام در برخی برنامه‌های رسانه‌ای و سخنرانی‌های خود، ایران را کشوری محترم و شناخته‌شده در دنیا معرفی می‌کند که دیگر کسی نمی‌تواند به آن در حکم یک کشور جهان سومی نگاه کند. وی ماهیت ایران کنونی را کاملاً متمایز با دوران پهلوی معرفی می‌کند که جایگاه اصیل و مستقلی در مناسبات کنونی جهان دارد.^{۱۲} به باور لیتواک ایران از طریق جنگ‌های نامتقارن و مداخله‌های خارجی (مثل حمایت از نیروهای نیابتی خود در خاورمیانه) تلاش می‌کند به یک قدرت منطقه‌ای بزرگ تبدیل شود.^{۱۳}

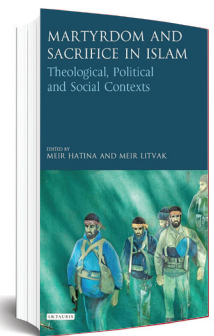


سخنرانی لیتواک در مؤسسه بسیار مهم مطالعات امنیت ملی اسرائیل (INSS)

«دشمنت را بشناس: نگرش‌های در حال تحول نسبت به «دیگران» در اندیشه و عمل شیعی مدرن»^۶ عنوان کتاب دیگری از مئیر لیتواک است که در سال ۲۰۲۱ منتشر شد و او در این کتاب سعی کرده است تحلیلی از مباحث دشمن‌شناسی در شیعه ارائه دهد و مصداق‌های امروزی دشمنان شیعه را غربی‌ها، یهودیان، فمینیست‌ها و بهائیان معرفی می‌کند. نویسنده مدعی است شیعه در طول تاریخ خود با برجسته کردن مفهوم «دیگری» به دنبال این مطلب بوده که برای خود مظلومیت خاصی ادعا کند و همواره خود را مورد هجوم دشمنان به تصویر بکشد. در حقیقت لیتواک دیدگاهی خاص و پیچیده از هویت شیعی ارائه می‌دهد که ترکیبی از حس قربانی بودن و ناامنی همراه با اعتقاد به برتری فکری و اخلاقی و پیروزی بلندمدت است.

در همین راستا و با تمرکز ویژه بر دو گروه شیعیان و اهل تسنن کتاب دیگری از این مستشرق با عنوان «سنت و شیعه در تاریخ: تفرقه و وحدت‌گرایی در خاورمیانه اسلامی»^۷ در سال ۲۰۱۱ به چاپ رسید. در این کتاب، نویسنده برای شناخت دقیق‌تر جهان اسلام به یکی از اصلی‌ترین و حساس‌ترین مسائل درونی آن پرداخته است: بررسی روابط میان شیعه و سنی. او با نگاهی تحلیلی، پیچیدگی این مناسبات را از آغاز تاریخ اسلام تا امروز دنبال کرده و ابعاد سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی این تقابل‌ها و تعامل‌ها را مورد واکاوی قرار داده است.

لیتواک همچنین به موضوعات متعدد دیگری همچون «شهادت» که پیوندی عمیق با ابعاد اجتماعی و سیاسی



کتاب «شهادت و فداکاری در اسلام: زمینه‌های کلامی، سیاسی و اجتماعی» که لیتواک به همراه هاتینا نگاشته است. به تصویر روی جلد دقت کنید.

6. Litvak, Meir. *Know Thy Enemy: Evolving Attitudes towards "Others" in Modern Shi'i Thought and Practice*. Liverpool University Press, 2021.

7. Litvak, Meir, and Ofra Bengio, editors. *The Sunna and Shi'a in History: Division and Ecumenism in the Muslim Middle East*. Palgrave Macmillan, 2011.

8. Hatina, Meir, and Meir Litvak, editors. *Martyrdom and Sacrifice in Islam: Theological, Political and Social Contexts*. I.B. Tauris, 2017.

9. Litvak, Meir. "The Islamic Republic of Iran and the Holocaust: Anti-Semitism and Anti-Zionism." *Journal of Israeli History* 25.1 (2006): 267-284.

10. Litvak, Meir. "Justice and Vilayat in Post-Revolutionary Iranian Shi'ism." *Middle Eastern Studies* 59.2 (2023): 267-280.

11. Litvak, Meir. "God's Favored Nation: The New Religious Nationalism in Iran." *Religions* 11.10 (2020): 541.

12. <https://themedialine.org/top-stories/the-iranians-feel-they-have-won-the-war-as-us-israel-pressure-meets-diplomatic-uncertainty>.

13. <https://www.inss.org.il/wp-content/uploads/2018/03/Litvak.pdf>.



«توبه اندازه کافی مسیحي نیستی!»؛ روایت عجیب فرماندهان جنگ علیه ایران

مسعود زائری

جزئی از یک طرح الهی جلوه دهند. برخی از آنان، از جمله سناتور لیندسی گراهام، جنگ با ایران را نه یک مناقشه ژئوپلیتیک، بلکه جنگی تمدنی یا حتی مذهبی توصیف کرده‌اند.^۱ برخی کشیشان سرشناس صهیونیست مسیحي نیز از جمله داعیه‌داران این جریان هستند. جان هیگی مدیر و پایه‌گذار بنیاد CUFİ (مسیحیان متحد برای اسرائیل) در سخنرانی خود در مارس ۲۰۲۶، جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران را بخشی از طرح و نقشه الهی خواند و بیان کرد: «از نظر پیشگویی‌های کتاب مقدس، ما دقیقاً طبق برنامه پیش می‌رویم».^۲ فرانکلین گراهام از دیگر چهره‌های شاخص اوانجلیستی، که سخنران ویژه مراسم تنفیذ ریاست جمهوری ترامپ بود و انتخاب او در این سمت را کار مستقیم خدا دانست، در آوریل ۲۰۲۶ (فروردین ۱۴۰۵) خطاب به ترامپ گفت:

در کتاب مقدس، کتاب اِسْتِر، از پادشاه ایرانی یاد شده که فرمان کشتار یهودیان را صادر کرد. امروز نیز ایرانیان می‌خواهند هر یهودی را بکشند و با بمب اتم نابود کنند. اما خداوند تو، رئیس‌جمهور ترامپ را برای چنین زمانی برانگیخته است.^۳ در کنار نمونه‌های ذکر شده، اظهارات چهره‌های دیگر اوانجلیستی همچون گرگ لوری، روزنبرگ و ریچاردسون را هم می‌توان رهگیری کرد

سوءاستفاده از مذهب و به‌کارگیری ابزاری از باورهای دینی برای توجیه خشونت، جنایت و توسعه‌طلبی، پدیده‌ای رایج و ریشه‌دار در تاریخ معاصر است که مرزهای جغرافیایی و فرهنگی را درنوردیده است. در چنین فضایی، جنگ دیگر یک ضرورت صرفاً نظامی و سیاسی نیست؛ بلکه یک وظیفه به ظاهر مقدس تلقی می‌شود و مرز میان سیاست و الهیات درهم می‌ریزد، محدودیت‌های اخلاقی تضعیف می‌گردد و خشونت در قالبی مقبول، بلکه عادلانه و حتی الهی بازتعریف می‌شود.

این پدیده اکنون در میان بخش‌هایی از حلقه سیاسی نزدیک به رئیس‌جمهور آمریکا آشکار و هویدا است؛ جایی که درگیری‌ها از طریق روایت‌های آخرالزمانی و کتاب مقدس تفسیر می‌شوند. حلقه نزدیک ترامپ و حامیان پیوسته از متون مقدس و تصاویر دینی بهره می‌گیرند تا خشونت را



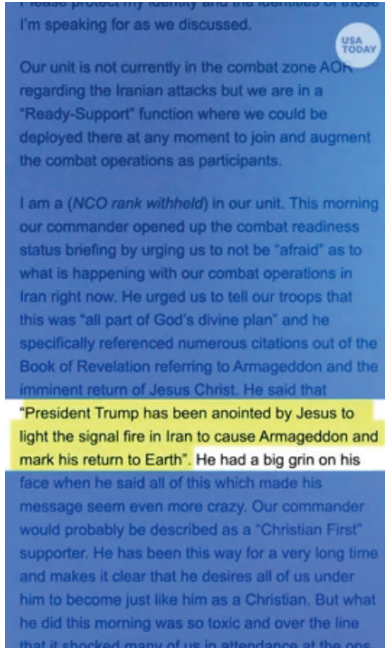
1. <https://www.foxnews.com/media/lindsey-graham-urges-us-israel-arm-iranian-civilians-second-amendment-solution-top-le-regime>.

2. <https://asiatimes.com/2026/03/pulpit-to-pentagon-the-evangelicals-who-see-iran-war-as-gods-plan>.

3. <https://today.rtl.lu/news/world/for-some-around-trump-war-on-iran-is-a-christian-calling.828723331->



USA TODAY reached out to the Pentagon about the complaints, military chaplains and religion in the armed forces. They pointed to a video from Pete Hegseth in December.



I'm speaking for as we discussed.

Our unit is not currently in the combat zone AOR regarding the Iranian attacks but we are in a "Ready-Support" function where we could be deployed there at any moment to join and augment the combat operations as participants.

I am a (NCO rank withheld) in our unit. This morning our commander opened up the combat readiness status briefing by urging us to not be "afraid" as to what is happening with our combat operations in Iran right now. He urged us to tell our troops that this was "all part of God's divine plan" and he specifically referenced numerous citations out of the Book of Revelation referring to Armageddon and the imminent return of Jesus Christ. He said that

"President Trump has been anointed by Jesus to light the signal fire in Iran to cause Armageddon and mark his return to Earth". He had a big grin on his

face when he said all of this which made his message seem even more crazy. Our commander would probably be described as a "Christian First" supporter. He has been this way for a very long time and makes it clear that he desires all of us under him to become just like him as a Christian. But what he did this morning was so toxic and over the line that I checked many of my attendances at the

گزارش یو اس اس تودی در این رابطه؛ متن نوشته چنین است: «عیسی مسیح، ترامپ را مأمور کرده که آتش جنگ را در ایران روشن کند تا آخرالزمان وآرماگدون رخ دهد و مسیح دوباره به زمین برگردد.»



MOHABAT NEWS

حمایت کشیش فرانکلین گراهام از عملیات نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی



MOHABAT NEWS

فرانکلین گراهام در بخشی از این نامه خطاب دونالد ترامپ نوشت: «شما کار درستی انجام می‌دهید. رؤسای جمهوری دیگر مدت‌ها فقط این موضوع را به تعویق انداختند و تصمیم‌های سخت را نترسیدند. شما در حال امن‌تر کردن جهان هستید.»

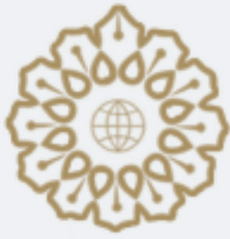
نمونه‌ای از حمایت مستقیم گراهام از جنگ آمریکا علیه ایران

سربازان معترض به روایت آخرالزمانی جنگ را توییح کرده و با تحقیر مذهبی به آن‌ها می‌گویند: «شما به اندازه کافی مسیحی نیستید!» دامنه این شکایات چنان گسترده بوده که زنگ خطر را در کنگره آمریکا به صدا در آورده است. حالا قانون‌گذاران آمریکایی خواستار تحقیقی رسمی درباره گزارش‌های نگران‌کننده‌ای شده‌اند که از توجیه جنگ ایران با پیشگویی‌های آخرالزمانی کتاب مقدس حکایت دارد. آن‌ها از وزارت دفاع خواسته‌اند محورهای مشخصی را موشکافانه بررسی کند؛ از جمله اینکه: آیا فرماندهان نظامی یا افسران ارشد به زیردستان خود دیکته کرده‌اند که عملیات در ایران، تحقق یک «پیشگویی مذهبی»، «نقشه الهی» یا «رویداد آخرالزمانی» است؟ و اگر چنین باشد، ریشه این پیام‌ها در کجای هرم قدرت نظامی پنهان شده است؟ آیا این اظهارات، نقض صریح دستورالعمل وزارت دفاع آمریکا (آزادی مذهبی در خدمات نظامی) در باب بی‌طرفی مذهبی و ممنوعیت سوءاستفاده از قدرت فرماندهی محسوب می‌شود یا نه؟ و مهم‌تر، آیا سربازانی که جرأت افشاگری داشته‌اند، اکنون در سایه تهدید و انتقام‌جویی فرماندهانشان زندگی می‌کنند یا خیر؟^۴ لازم به ذکر است که این پدیده به ارتش آمریکا محدود نیست و این نگاه آخرالزمانی در میان نظامیان اسرائیلی حاضر در جنگ‌های منطقه‌ای نیز به شکلی برجسته دیده می‌شود. رهبران رژیم صهیونیستی از همان سال‌های آغازین اشغال فلسطین تا به امروز، پیوسته کوشیده‌اند تا جنایات و اقدامات وحشیانه خود را در لفافه «زمینه‌سازی برای ظهور منجی یهود» توجیه کرده و بدان مشروعیت دینی ببخشند.

که هر یک با تمرکز بر بخش‌های مشخصی از کتاب مقدس، اتفاقات معاصر را با پیشگویی‌های کتاب مقدس تطبیق می‌دهند و جنگ با ایران و جبهه مقاومت را به عنوان رویدادهایی تفسیر می‌کنند که زمینه‌ساز بازگشت عیسی مسیح به زمین هستند. نزدیکی این طیف از اوانجلیست‌ها به حلقه سیاست‌مداران کنونی آمریکا باعث شده تا تفکرات و اندیشه‌های آخرالزمانی این گروه به نوعی جاده صاف‌کن مذهبی جنایات ارتش آمریکا قرار گیرد و به این ترتیب، جنگ افروزی و مداخلات نظامی در خاورمیانه ذیل روایتی مقدس، نه تنها گناه نیست، بلکه وظیفه‌ای الهی جلوه می‌کند. اما در دل ارتش آمریکا، همه با این روایت مذهبی از جنگ هم‌صدا نیستند. درست در بحبوحه این هیاهوی مقدس‌نمایانه، صدای اعتراضی از درون صفوف سربازان به گوش می‌رسد. بنیاد آزادی مذهبی نظامیان آمریکا، که خود را صدای بیش از ۱۰۰ هزار عضو ارتش می‌داند، در تازه‌ترین گزارش خود پرده از شکایت‌های سربازانی برداشته که از تحمیل دیدگاه‌های افراطی مذهبی فرماندهانشان به ستوه آمده‌اند. مدیر این بنیاد به نقل از سربازان معترض فاش می‌کند که فرماندهانشان این جنگ را نه یک عملیات نظامی، که تحقق بازگشت عیسی مسیح به زمین، بدتر از آن، به گفته او، این فرماندهان به سربازان خود دیکته می‌کنند که عیسی مسیح، شخص دونالد ترامپ را برگزیده و مأمور کرده تا شعله‌های این جنگ آخرالزمانی را در ایران برافروزد، تا راه برای بازگشت او هموار شود.^۵ جالب آنکه مطابق گزارش مدیر بنیاد آزادی مذهبی نظامیان آمریکا حتی برخی فرماندهان،

4. <https://www.usatoday.com/videos/news/2026/03/06/commanders-say-iran-war-to-bring-end-times-military-nonprofit-reports89009414007/>.

5. <https://huffman.house.gov/media-center/press-releases/members-of-congress-request-investigation-into-alleged-reports-that-military-leaders-claim-war-in-iran-part-of-biblical-end-times-prophecies>.



THE PROMISED MAHDI

The Promised Mahdi Cultural Foundation

عَلَّمَ اللَّهُ تَعَالَى
وَحَجَّ الْمُكْرَمِينَ

سایت انگلیسی بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

mahdism.net



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

www.mahdaviat.ir

شماره‌های پیشین مجله رصد را می‌توانید در آدرس زیر دنبال کنید:

eitaa.com/westandmahdism2